



بررسی انتقادی کتب بدیع زبان کردی

سید احمد پارسا^۱

استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۳ اسفند ۱۳۹۷؛ صص ۱-۱۵

چکیده

بدیع یکی از دانش‌های سه‌گانه تشکیل دهنده‌ی بلاغت است که بیش از دو دانش دیگر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ پژوهش‌های انجام گرفته در این دانش در مقایسه با بیان و معانی به خوبی مؤید این مطلب است. موضوع پژوهش حاضر نقد و بررسی کتب بدیع به زبان کردی است. برای این منظور هشت کتاب بدیع چاپ شده در کردستان عراق بررسی شده است. دلیل انتخاب این کتاب‌ها درسی شدن بسیاری از آنها بود. شناخت کاستی‌های کتب بدیع در زبان کردی به منظور تشویق پژوهشگران این زمینه به رفع آنها، فراهم آوردن زمینه‌ی شناخت بهتر دانش بدیع و درک درست تری از آن از اهداف پژوهش حاضر محسوب می‌شود. روش تحقیق از نوع کیفی است و داده‌ها به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و سندکاوی گردآوری شده است. نتایج نشان می‌دهد الگوبرداری از کتب عربی و تعمیم آن به بلاغت در زبان کردی، آوردن قالب‌های شعری تحت عنوان آرایه‌های ادبی، اختلاف در نام گذاری آرایه‌ها، به کارگیری واژه‌های مربوط به سرفات ادبی یا علم معانی تحت عنوان آرایه‌ی ادبی، اشتباه در تعریف اصطلاحات بدیعی یا شواهد شعری مربوط به آنها، اختلاف در تعداد آرایه‌ها بیشترین مسائل مربوط به نقد این کتاب‌ها را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: بلاغت، بدیع، شگردهای ادبی، کتب بدیع کردی

کورتیه

جوانکاری به کیک له سی زانسته پیکهینای روونبیژی به پتر له دوو زانسته که‌ی دیکه سه‌رنجی توپژهرانی بو لای خو‌ی راکیشاوه. توپژهنه‌کان له‌م بواره‌دا له هه‌لسه‌نگاندن له‌گه‌ل روونبیژی و واتاناسیدا ئەمه ئەسه‌لمینێ. مه‌به‌ستی ئەم توپژینه‌وه هه‌لسه‌نگاندی کتیبه‌کانی جوانکاری له زمانی کوردیدایه؛ بو ئەم مه‌به‌سته هه‌شت کتیبی جوانکاری چاپ‌کراو له کوردستانی باشوور توپژینه‌وه‌یان له سه‌ر کراوه. هو‌ی هه‌لبژاردنی ئەم کتیبانه‌ش خویندیان به‌ده‌رس بووه. ناسینی که‌م‌وکوری کتیبه جوانکاری به‌کان له زمانی کوردیدا بو هاندانی توپژهران به لاپردنی له‌م که‌م‌وکورپانه، ره‌خساندنی به‌ستینیکی بو ناسینی باشتری زانستی جوانکاری و تیگه‌یشتنی باشت له‌م بواره‌دا له مه‌به‌سته‌کانی ئەم توپژینه‌ده‌ن. شیوازی توپژینه‌وه له جو‌ری چونیه‌تی‌به، ده‌پتاکان به شیوازی کتیبخانه‌یی کو‌کراونه‌ته‌وه ده‌رنجام به‌وه ده‌گا که لاسایی کردنه‌وی کتیبه عه‌ره‌بییه‌کانی جوانکاریدا و سه‌پاندنیان به سه‌ره‌وانبیژی له زمانی کوردیدا، هینانی قالبه‌شعیرییه‌کان له ژیر ناوی جوانکاری، کیشه له نیوی جوانکارییه‌کان، هینانی ده‌سته‌واژه‌کانی سه‌باره‌ت به دزی ئەده‌بی و واتاناسی له ژیر ناوی جوانکاریدا، هه‌له له پیناسه‌ی ده‌سته‌واژه‌کانی جوانکاری یا هینانه‌وه‌ی به‌هه‌له‌ی شاهیده‌شعیرییه‌کان، جیاوازی له ژماره‌ی جوانکارییه‌کان زۆرت‌ترین مه‌به‌سته‌کانی هه‌لسه‌نگانی کتیبه جوانکارییه‌کان له خو‌ده‌گری‌ت.

وه‌شه سه‌ره‌کییه‌کان: ره‌وانبیژی، جوانکاری، ته‌کنیکه ئەده‌بییه‌کان، کتیبه‌کانی جوانکاری

^۱ این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی است که با حمایت مالی پژوهشکده کردستان شناسی انجام گرفته است.

۱- مقدمه

زیبایی‌های یک اثر ادبی مربوط به مسائل بلاغی آن است. علاوه بر آن زبان ادبی به دلیل انشایی بودن اغلب قابل صدق و کذب نیست. این مسائل در کنار ابهام‌گویی آن و شگردهای ادبی بیش از یک معنا چون انواع ابهام‌ها، پوشیدگی و عدم استفاده از صراحت در برخی از این زیبایی‌ها چون کنایه و مواردی از این دست، توانسته بیش از زبان عادی رسالت روشنگری ادیب یا شاعر را بر دوش بگیرد. بلاغت در زبان‌های کردی و فارسی همانند بسیاری دیگر از دانش‌های ادبی متأثر از بلاغت عربی بوده است. گشودن افق جدیدی بر روی ایرانیان بر اثر آشنایی با بلاغت عربی امری انکارناپذیر است؛ اما علی‌رغم وجوه اشتراک فراوان مسائل بلاغی در زبان‌های یادشده، ساختار متفاوت این زبان‌ها و تفاوت‌های فرهنگی مربوط به آن‌ها ایجاب می‌کند اختلاف‌هایی در مسائل بلاغی در آنها وجود داشته باشد.

با وجود پژوهش‌های ارزنده صورت گرفته در زمینه بلاغت در زبان‌های فارسی و کردی، به نظر می‌رسد در این زمینه سه مسأله مورد کم‌توجهی واقع شده است: اول: بی‌توجهی به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی زبان‌های عربی، فارسی و کردی در پژوهش‌های بلاغی؛ دوم: کوشش در جهت انطباق کامل بلاغت عربی بر دو زبان یادشده بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی این زبان‌ها. این مسأله موجب غفلت از تفاوت‌های بلاغی این زبان‌ها و نادیده انگاشتن ظرفیت‌های بلاغی زبان‌های فارسی، کردی و دیگر زبان‌های غیرعربی شده است؛ به گونه‌ای که کوشش بیشتر مؤلفان کتب بلاغی در زبان‌های فارسی و کردی در حد ترجمه قواعد بلاغی عربی به این زبان‌ها بوده است. در برخی از موارد تنها تفاوت این کتاب‌ها با کتب بلاغی عربی در جایگزین کردن شواهد و مثال‌های فارسی و کردی به جای شواهد و امثله عربی بوده است. تلاش جهت انطباق کامل قواعد بلاغی عربی بر این زبان‌ها، اغلب موجب شده، بیشتر پژوهش‌های آنان در این زمینه، فاقد نوآوری باشد؛ سوم: منحصرکردن علوم بلاغی به متون ادبی. در گذشته بلاغت را مربوط به متون ادبی می‌دانستند و این دیدگاه موجب شده بود پژوهش‌های علوم بلاغی منحصر به زبان ادبی باشد و زبان توده‌ی مردم مورد بی‌توجهی قرار گیرد. در حالی که «به تعبیر بعضی از زبان‌شناسان کل زبان، چیزی جز تشبیه و استعاره نیست و به همین ترتیب کل زبان سمبولیک است» (یارمحمدی، ۱۳۷۲: ۱۷)؛ به عبارت دیگر، استفاده از این موارد، جزو ذات زبان است. «طبیعت زبان ایجاب می‌کند که گویندگان آن [زبان] برای تفهیم بهتر مطالب از ترفندهای ادبی مانند تشبیه، کنایه، استعاره، مجاز و موارد دیگر این‌چنینی استفاده کنند» (پارسا، ۱۳۹۴: ۲۳).

۲- بیان مسأله

بدیع و بیان دو دانش از دانش‌های سه‌گانه تشکیل دهنده‌ی بلاغت و بزرگترین وجوه تمایز متون ادبی از غیر ادبی محسوب می‌شوند. سرچشمه‌ی تدوین این دانش‌ها به یونان باستان برمی‌گردد. عرب‌ها این دانش‌ها را به عربی بازگردانده و بازتعریف کردند و آنها را برای درک بهتر زیبایی‌های قرآنی به کار گرفتند. جاحظ (متوفی ۵۲۵ ه.ق.)، ابوهلال عسکری (۳۲۰-۳۹۲ ه.ق.)، ابن‌رشیق قیروانی (متوفی ۴۵۶ ه.ق.)، عبدالقاهر جرجانی (۴۰۵-۴۷۴ ه.ق.)، خطیب تبریزی (۴۲۱-۵۰۲ ه.ق.)، سکاکی (۵۵۵-۶۲۶ ه.ق.)، ابن اثیر (۵۵۸-۶۳۷ ه.ق.)، سعدالدین تفتازانی (۷۲۲-۷۹۲ ه.ق.) از اندیشمندان برجسته جهان اسلام هستند که در این دانش‌ها آثار ارزنده‌ای پدید آورده‌اند؛ به‌گونه‌ای که قرن‌هاست این آثار در مدارس علوم دینی و در دروس دانشگاهی مرتبط با بلاغت در زبان‌های مختلف تدریس می‌شده است. در ایران نیز این دانش‌ها از راه تدریس برخی از آثار یادشده از همان آغاز، در حوزه‌های علوم دینی نواحی مختلف کشور در میان اقوام مختلف از کرد، فارس، ترک، بلوچ، ترکمن، عرب و امثال آنان تدریس می‌شده است. اندیشه‌ی نگارش کتاب‌هایی در زمینه بلاغت به زبان‌های بومی مردم ایران، پیش از سایر اقوام در میان فارس‌ها پدید آمد. کسانی چون محمد بن عمر رادویانی مؤلف *ترجمان‌البلاغه*، شمس قیس رازی مؤلف *المعجم فی معاییر اشعارالعجم*، شرف‌الدین حسن بن محمد رامی تبریزی مؤلف *حدائق الحقایق*، رضاقلی خان هدایت مؤلف *مدارج‌البلاغه*، علی بن محمد تاج الحلاوی صاحب اثر *دقائق الشعر*، میرزا حسین کاشفی سبزواری صاحب *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*، محمدهادی بن محمدصالح مازندرانی مؤلف *انوارالبلاغه* نمونه‌هایی از اندیشمندان علوم بلاغی ایران محسوب می‌شوند که آثار ارزنده‌ی خود را به زبان فارسی تألیف کرده‌اند. متأسفانه تألیف کتب بلاغی به زبان کردی به دلایل بسیاری از جمله معمول نبودن نگارش به این زبان، فراهم نبودن بسترهای مناسب جهت نگارش و عدم اهتمام اندیشمندان کرد در نگارش متون علمی به این زبان در مقایسه با زبان فارسی بیش از هزار سال به تأخیر افتاد؛ به‌گونه‌ای که متأسفانه در بهترین برآورد، نمی‌توان عمر تألیف و تدوین آثار بلاغی به زبان کردی را به صدسال پیش برگرداند که جای تأسف بسیار است.

علی‌رغم روند روبه رشد پژوهش‌های ادبی به زبان‌های کردی و فارسی به‌ویژه در زمینه بلاغت، هنوز جای پژوهش‌های بایسته بسیاری در این زمینه خالی است. پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه در هر دو زبان در آغاز، اغلب تقلیدی تام و تمام از بلاغت عربی بود؛ به‌گونه‌ای که تفاوت آنها با کتب عربی در این زمینه، تنها به زبان به کار رفته در این متون و ذکر شواهد شعری به این زبان‌ها بود. عدم توجه به ظرفیت‌های زبانی زبان‌های فارسی، کردی و

امثال این‌ها موجب غفلت از بسیاری از ظرافت‌های بلاغی ویژه این زبان‌ها شده که در زبان عربی نمی‌توان مصداقی برای آنها یافت. این مسأله در برخی از مسائل بلاغی عربی نیز صدق می‌کند.

نشان دادن ظرفیت‌های بلاغی زبان و ادب کردی، فراهم کردن بستری مناسب جهت پژوهش بیشتر در این زمینه، شناساندن وجوه اشتراک و افتراق مسائل بلاغی در حوزه بدیع، شناخت کاستی‌های کتب بدیع در زبان کردی به منظور تشویق پژوهشگران این زمینه به رفع آنها، فراهم آوردن زمینه شناخت بهتر دانش بدیع و درک درست‌تری از آن از اهداف پژوهش حاضر محسوب می‌شود.

ضرورت درک متون ادبی، آگاهی از علوم بلاغی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ زیرا درک بخش قابل توجهی از متون ادبی در گرو درک مفاهیم بلاغی آن است؛ درک زیبایی‌های یک متن بدون آگاهی از ظرایف علوم بلاغی امری ناممکن به نظر می‌رسد. علاوه بر آن، وجود این دانش‌ها در متون ادبی پاسخی است جهت اقناع فرمالیست‌ها و برخی از ساختگرایانی چون ریفاتر که در جستجوی مؤلفه‌هایی هستند که متون ادبی را از غیر ادبی جدا کنند. علاوه بر آن، آگاهی از ظرفیت‌های بلاغی یک زبان، موجب وابستگی کمتر گویشوران و ادبای آن زبان به وام‌گیری بلاغی زبان‌های دیگر و دوری از تقلید این‌گونه مسائل در این زبان‌ها می‌شود.

۳- پیشینه‌ی پژوهش

بدیع از میان دانش‌های سه‌گانه‌ی بلاغت بیش از همه و معانی کمتر از همه در گذر زمان دستخوش تغییر و تحول گشته‌اند. این تغییرات در زبان فارسی از اصطلاح‌تراشی‌های پیشینیان تا پژوهش‌های امروز را دربرمی‌گیرد؛ به عنوان مثال شفیع‌ی‌کدکنی بازی‌ها و اصطلاح‌تراشی‌های مربوط به این دانش را نتیجه کار بیکارهای دوران انحطاط فرهنگی می‌داند که موجب شده صنایع بدیعی ارائه شده در کتاب‌های مربوط به این فن از آغاز تا زمان شمس‌العلماء قریب‌گرگانی (۱۲۶۲-۱۳۴۵ ه.ق) از ۱۰-۱۲ مورد به ۲۲۰ مورد (تقریباً ۲۰ برابر) برسد. (شفیع‌ی‌کدکنی، ۱۳۷۳: ۲۹۳) به نظر می‌رسد ایرادهای وی بر آرایه‌ها و تقسیم‌بندی جدید او، اولین جرقه را در ذهن برخی از بدیع‌نویسان پدید آورده و موجب تجدید نظر آنان در این زمینه گردیده است. تقسیم‌بندی سیروس شمیسا در کتابی تحت عنوان *نگاهی تازه به بدیع* (۱۳۷۴) و تقسیم‌بندی وحیدیان کامیار (۱۳۷۹) تحت عنوان *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی* نمونه‌هایی از این کوشش‌ها محسوب می‌شوند. کوشش برخی از پژوهشگران دیگر نیز یا صرف طبقه‌بندی جدیدی از بدیع شده و یا به نقد کتب تألیف‌شده در این زمینه می‌رسد، اختصاص

یافته است. کوشش کوروش صفوی (۱۳۸۳) جهت ارائه‌ی الگویی زبان‌شناختی براساس انتخاب و ترکیب، نمونه‌ی نوع اول و مقالات مربوط به نقد مباحث بدیع در نشریات مختلف همچون مقاله‌ی پارسا (۱۳۸۲) تحت عنوان «نیم‌نگاهی به بدیع نو» نمونه‌ی نوع دوم محسوب می‌شوند. اما در زمینه‌ی علم بیان، نوآوری‌های قابل توجهی در کتب فارسی به چشم نمی‌خورد. پیشینه‌ی تألیف کتب بلاغی به زبان کردی، به نود و دو (۹۲) سال پیش برمی‌گردد؛ زیرا به نظر می‌رسد اولین کوششی که در زمینه بلاغت در زبان کردی صورت گرفته، مربوط به سلسله مطالبی است که شیخ نوری شیخ صالح (۱۸۹۶-۱۹۵۸ م.) در نشریه‌ی *ژیان* منتشر کرد. وی در این مطالب به مباحث نظری علم معانی مانند ایجاز، اطناب، تعقید و مواردی از این دست پرداخته است و به‌ندرت مثال‌هایی هم از شعر کردی برای آنها ذکر کرده است؛ به عنوان مثال در شماره ۵۵ هفته‌نامه‌ی *ژیان* منتشر شده در پنجشنبه ۲۲ شعبان ۱۳۴۵ ه.ق برابر ۲۴ شباط ۱۹۲۷ مطلبی را به ایجاز و اکثار (اطناب) اختصاص داده و در آن به بیتی از شیخ رضا طالبانی و بیتی از م. نوری استناد کرده است. این مطالب با رسم‌الخط فارسی چاپ شده است، به نظر می‌رسد تا آن زمان هنوز رسم‌الخط کردی به شکل امروز آن مرسوم نبوده است؛ به عبارت دیگر، نگارش بدیع به زبان کردی بیش از هزار و چندصد سال بعد از نگارش کتاب‌های بلاغت به زبان عربی شروع شد. کتاب‌های نگاشته شده به زبان کردی نیز در این زمینه اغلب تقلیدی تام و تمام از کتب عربی و گاه فارسی در این زمینه محسوب می‌شوند و به‌ندرت در برخی از آنها نوآوری‌هایی به چشم می‌خورد.

پیشینه‌ی اولین مطالب بلاغی مکتوب -همان‌گونه که پیشتر اشاره شد- به سلسله مطالبی برمی‌گردد که شیخ نوری شیخ صالح درباره‌ی مسائل مختلف ادبی در هفته‌نامه‌ی *ژیان* متعلق به شاعر شهیر کرد، مرحوم پیرمیرد (۱۸۶۷-۱۹۵۰) آن را منتشر می‌کرد و برخی از این مطالب به مسائلی چون تعقید، ایجاز، اطناب و برخی مسائل علم معانی اختصاص داشت. اما اولین اثر مستقل بلاغی در زبان کردی کتاب *خوشخوانی* اثر علاءالدین سجادی (۱۹۷۸) است که در آن به هر سه دانش بدیع، معانی و بیان پرداخته است. نکات مثبت فراوان این کتاب، کاستی‌های اندک آن را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. مؤلف علی‌رغم کوشش در انطباق صددرصدی شگردهای بلاغی با زبان عربی، نوآوری‌هایی در نامگذاری برخی از این شگردها و بازگردانی آنها به زبان کردی با ذکر مثال‌هایی اغلب مناسب ارائه کرده است. بدیع و عروض نامی اثر ملاعبدالکریم مدرس (۱۹۹۱) -همانگونه که از نامش پیداست- به بدیع و عروض اختصاص دارد. کوشش در انطباق صددرصدی شگردهای ادبی با زبان عربی، عدم توجه به مصادیق آنها در دیوان‌های شعری شاعران کرد و استفاده از سروده‌های خود به جای استفاده از سروده‌های

شاعران دیگر، حالتی کسل کننده به کتاب بخشیده است؛ به گونه‌ای که خواننده احساس می‌کند بلاغت عربی را به زبان کردی مطالعه می‌کند. عزیزگردی علوم سه‌گانه‌ی بلاغت را در سه جلد کم حجم اما سودمند تألیف کرده است که عبارتند از: *ره‌وانبیژی له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا*، به‌رگی یه‌که‌م رونبیژی (۱۹۷۲)، *ره‌وانبیژی له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا*، به‌رگی دووه‌م جوانکاری (۱۹۷۵)، *ره‌وانبیژی له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا*، به‌رگی سیه‌م *واتاناسی* (۱۹۷۹). به نظر می‌رسد عزیزگردی بیش از دیگران روح بلاغت زبان کردی را درک کرده است. از همین رو نوآوری‌های بیشتری در کارهای ایشان به چشم می‌خورد؛ علاوه بر آن به نظر می‌رسد توانسته تا حدود زیادی ظرفیت‌های بلاغی زبان کردی را بشناسد. *جوانکاری له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا* (۲۰۰۳)، *جوانکاری شیعی کلاسیکی کوردی* (۲۰۱۷) و *جوانکاری شیعی نویی کوردی* (۲۰۱۷) سه اثر اداریس عبدالله درباره‌ی بدیع هستند که اولی به بدیع به طور کلی، دومی به بدیع در شعر کلاسیک کردی و سومی به بدیع در شعر نو کردی پرداخته است. وی کتاب دیگری نیز در حوزه بیان تحت عنوان *کووانه‌کانی روونبیژی* (۲۰۱۴) دارد. *جوانکاری له‌ئ‌شیعی وه‌فایی‌دا* (۲۰۱۷) از مریوان حسین فرحان، *هونه‌ری جوانکاری له‌ئ‌شیعی عه‌ونیدا* از بهار عبدالجبار جامی (۲۰۱۷) و *هونه‌ری جوانکاری له‌ئ‌شیعی هه‌مدی‌دا* از زانا یاسین عبید (۲۰۱۶) سه پایان‌نامه کارشناسی ارشد هستند که به ترتیب به مسائل بدیعی در دیوان‌های سه شاعر کرد وفایی، عون‌ی و حمدی صاحبقران پرداخته‌اند و مطابق قانون وزارت علوم عراق دو مورد پایان‌نامه‌ی اول و دوم به صورت کتاب به چاپ رسیده‌اند. این کتاب‌ها تنها در نامگذاری برخی از شگردها گاه ابتکاراتی به خرج داده‌اند و گاه نامی مناسب برای آنها برگزیده‌اند. در ایران نیز محمد سعید ابراهیمی کتابی تحت عنوان *گه‌شتی له‌ئ‌عیلمی به‌لاعه‌ تألیف کرده* و در آن به طور موجز به هر سه دانش بلاغی پرداخته و شواهدی شعری از زبان‌های فارسی، کردی و عربی برای آن ذکر کرده است. این کتاب شیوه‌ی *معالم‌البلاغه* محمدخلیل رجایی را فرا یاد می‌آورد؛ با این تفاوت که نمونه‌های کردی را افزون بر آن کتاب ذکر کرده است. کتاب *زانستی ره‌وانبیژی‌ئه‌ده‌بی* در دو جلد از جعفر قهرمانی به ترتیب به دو مبحث بدیع و بیان پرداخته است. *جوانکاری له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا* به شیوازیکی نویی و روونبیژی له‌ئه‌ده‌بی کوردیدا (۱۳۹۷) از سیداحمد پارسا نیز از کتاب‌هایی هستند که به ترتیب در زمینه بدیع و بیان تألیف شده است. پایان‌نامه‌ای نیز تحت عنوان *فنون بلاغت در شعر امیری سنقری* به وسیله پیمان امیدوار در مقطع کارشناسی ارشد با راهنمایی خانم دکتر فدوی در دانشگاه کردستان دفاع شده است.

۴- روش‌شناسی تحقیق

راهبرد این پژوهش، متناسب با هدفی که دنبال می‌کند، از نوع کیفی است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و سندکاوی گردآوری می‌شود و با استفاده از روش تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل می‌گردد. جامعه‌ی آماری، آثار مکتوب بدیع به زبان کردی است و حجم نمونه هشت کتاب خوشخوانی اثر علاءالدین سجادی (۱۹۷۸)، بدیع و عروض نامی اثر ملاعبدالکریم مدرس (۱۹۹۱)، *ره‌انبیژی له ئه‌ده‌بی کوردیدا*، به‌رگی دووه‌م جوانکاری (۱۹۷۵) از عزیز گردی، *جوانکاری له ئه‌ده‌بی کوردیدا* (۲۰۰۳) از ادريس عبدالله، کتاب *پایه‌ی وه‌فایی له ناو شاعیرانی سه‌ده‌ی نوزده‌ه‌می کرمانجی خواروودا* از مصطفی سید مینه (۲۰۰۷) (کتاب اخیر در اصل درباره‌ی وفایی است، اما بخشی از کتاب را نیز به بدیع در شعر وفایی اختصاص داده است)، *به‌هاری ره‌انبیژی* از محسن احمد مصطفی گردی (۲۰۱۳) (که به هر سه دانش معانی، بیان و و بدیع اختصاص دارد)، *جوانکاری له شیعی وه‌فایی‌دا* (۲۰۱۷) از مریوان حسین فرحان و *هونه‌ری جوانکاری له شیعی عه‌ونیدا* از بهار عبدالجبار جامی (۲۰۱۷) است. روش تحلیل کیفی از نوع توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شوند و با استفاده از روش تحلیل محتوا و بر مبنای روش معمول علوم بلاغی تجزیه و تحلیل خواهند شد.

۵- تجزیه و تحلیل

پذیرش دین اسلام و رواج آن در مناطق کردنشین موجب شده در این سرزمین نیز، همانند دیگر مناطق مسلمان‌نشین، آموزش علوم دینی در مساجد رواج یابد. فراگیران در کنار آموختن قرآن و حدیث، دانش‌های گوناگون دیگری چون صرف و نحو، منطق، فلسفه، کلام، فقه و مواردی از این دست را می‌آموختند. یکی از دانش‌های فراگیران، بلاغت بود که سه مبحث معانی، بیان و بدیع به زبان عربی بودند. از آغاز تألیف اولین کتب بلاغی عربی نزدیک به دوازده قرن می‌گذرد. نخستین کتاب موجود بلاغی در زبان فارسی ترجمان‌البلاغه محمد بن عمر رادویانی است که مربوط به قرن پنجم هجری قمری است و تقریباً نزدیک به ده قرن از آن می‌گذرد. متأسفانه پیشینه‌ی تألیف آثار بلاغی به زبان کردی به کمتر از صد سال (۹۲ سال) پیش برمی‌گردد؛ یعنی، زمانی که شیخ نوری شیخ صالح مطالبی را در این زمینه در نشریه‌ی *ژیان* در چند شماره منتشر کرد که زیر نظر پیرمرد شاعر منتشر می‌شد. البته این مسأله به هیچ روی به منزله عدم آشنایی یا عدم علاقه‌ی کردزبانان به این دانش نیست. زیرا علاوه بر این که همه دانش‌آموختگان مدارس علوم دینی بلاغت را به خوبی فرا می‌گرفتند. پژوهشگران بسیاری نیز در این زمینه از میان کردزبانان برخاسته‌اند؛ اما به دلیل مرسوم نبودن نگارش کتب به زبان کردی در آن زمان‌ها،

بیشتر کتب به زبان عربی و گاه به زبان فارسی نگاشته می‌شد. اثر ارزشمند *المثل السائر* فی *ادب الکاتب و الشعاع* از ضیاء‌الدین ابن‌الاثیر متوفی ۶۳۷ ه.ق مؤید این دیدگاه است. از این رو تألیف کتب بلاغی به زبان کردی چهارده قرن بعد از عرب و ۹ قرن بعد از فارس‌زبان‌ها آغاز شد، اما به رغم این تأخیر، پژوهشگران کردزبان توانسته‌اند آثار ارزشمند و قابل توجهی در این زمینه تألیف کنند.

علی‌رغم تلاش‌های ارزنده‌ی اندیشمندان این حوزه، در این آثار کاستی‌هایی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد آسیب‌شناسی آنها، بتواند راه را برای رفع این کاستی‌ها و پیشرفت هرچه بیشتر این دانش فراهم آورد، این کاستی‌ها به اختصار عبارتند از:

۱- الگوبرداری از کتب عربی و تعمیم آن به بلاغت در زبان کردی: از آن‌جا که در آغاز آثار بلاغی مورد استفاده همه مسلمانان به زبان عربی بود، برخی از آثار تألیف شده به زبان کردی به گونه‌ای است که می‌توان ترجمه‌ای از آثار بلاغی عرب به شمار آورد، تنها تفاوت آنها را با کتب عربی در این زمینه، می‌توان در شواهد شعری زبان کردی دانست. این مسأله حتی نام شگردها و اصطلاحات بلاغی را هم دربرمی‌گرفت. به عنوان مثال ملاعبدالکریم مدرس در کتاب *بدیع و عروض* نامی نام ۴۱ شگرد بدیعی را آورده که تمامی آنها بدون هیچ تغییری همان نام‌های عربی هستند. خوشبختانه این نام‌ها به مرور زمان در آثار اندیشمندان دیگر این حوزه به زبان کردی برگردانده شد.

۲- آوردن قالب‌های شعری تحت عنوان آرایه‌های ادبی: برخی مسمط (پینج خشته‌کی) را تحت عنوان یک آرایه ادبی معرفی کرده‌اند: محسن مصطفی گردی، بهار عبدالجبار جامی، ادريس عبدالله و مریوان حسین فرحان از جمله این افراد هستند. این مسأله سبب شد که قالب‌های دیگر نیز به غلط تحت عنوان آرایه معرفی می‌گردند. ادريس عبدالله چهارپاره (چوار خشته‌کی) و محسن احمد مصطفی گردی، مستزاد را تحت این عنوان معرفی کرده‌اند که به نظر می‌رسد اگر این روند ادامه داشته باشد، بقیه قالب‌های شعری نیز به تدریج به این حیطه وارد خواهند شد.

۳- اختلاف در نام‌گذاری آرایه‌ها: با وجود مراکز آموزش عالی گوناگون در کردستان عراق و پیشینه‌ی تدریس زبان کردی به طور عام و تدریس دروس بلاغت به طور خاص در آنجا، تشتت و پراکندگی زیادی در نام‌گذاری آرایه‌های ادبی به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد ناشی از اختلاف سلیقه، نبودن فرهنگستان زبان و ادب کردی و برخی مسائل دیگر این چنینی است؛ به عنوان مثال برای *تجاهل‌العارف* چندین نام در بلاغت کردی به چشم

می خورد: ۱- تجاهل العارف (ملا عبدالکریم مدرس)؛ ۲- راگومکی ئاشنا (عزیز گردی)؛ ۳- خۆهه له کردن (مصطفی سید مینه، ادريس عبدالله)، ۴- خۆگیل کردن (علاءالدین سجادی، مریوان حسین فرحان)؛ ۵- خۆ بی ئاگا کردن (محسن احمد مصطفی گردی). یا برای مراعات نظیر سه اصطلاح به کار برده اند که عبارتند از: ۱- مراعات النظیر (ملا عبدالکریم مدرس)؛ ۲- چاوله په ک (علاءالدین سجادی)؛ ۳- پیکه وه گونجان (مصطفی سید مینه، مریوان حسین فرحان، محسن احمد مصطفی گردی). این مسأله تقریباً همه آرایه ها را در برمی گیرد و از دو تا پنج نام را در برمی گیرد، به گونه ای که متأسفانه جز به ندرت در نام یک آرایه وحدت دیدگاه به چشم نمی خورد (ر. ک جدول شماره ۱).

۴- به کارگیری واژه های مربوط به سرقات ادبی یا علم معانی تحت عنوان آرایه ی ادبی: به عنوان مثال ادريس عبدالله و مریوان حسین فرحان «نسخ» را که نوعی سرقت ادبی است، به عنوان آرایه ی ادبی ذکر کرده اند یا محسن احمد مصطفی گردی «التفات» را که مربوط به علم معانی است، تحت عنوان «تیل نیگا» به کار برده است.

۵- قرار دادن اصطلاحاتی به تقلید از بدیع عربی تحت عنوان آرایه ی ادبی: برخی از مواردی که در کتاب های بدیع عربی و به تقلید از آن در کتاب های بدیع فارسی و کردی آمده است، از نظر زیبایی شناسی در ردیف آرایه های بدیعی جای نمی گیرند؛ بلکه بهتر است این موارد را نمایش اقتدار نامید. شمیسا (۱۳۷۴: ۶۹-۷۰) اولین بار این اصطلاح را برای مواردی چون حذف یا تجرید، توشیح، واسع الشفتین، واصل الشفتین، جامع الحروف، رقطا، خیفا، فوق النقاط و تحت النقاط و ذواللغتين به کار برده است. خوشبختانه پژوهشگران کرد زبان علوم بلاغی این موارد را به عنوان آرایه ی ادبی ذکر نکرده اند. اما مواردی چون ملمع وجود دارد که بیشتر می توان آن را گونه ای نمایش قدرت به حساب آورد. زیرا این که شما مصراعی از یک سروده را به زبان دیگری اختصاص دهید، جز بیان آشنایی شما به این زبان بیانگر چه چیز دیگری است؟ چه زیبایی ای در این آرایه می تواند وجود داشته باشد؟ بسیاری از تضمین ها را نیز در عربی، فارسی و کردی می توان جزو این مورد به حساب آورد، مگر این که شاعر به عنوان سندی جهت استناد و در نهایت جهت استدلال سخن خود آن را به کار برده باشد که این مسأله را نیز جز در بافت کلام نمی توان تشخیص داد یا درباره آن قضاوت کرد.

۶- ذکر بسیاری از اصطلاحات بدیعی عربی که در زبان کردی کاربرد ندارند. از آن جا که بیشتر بدیع نویسان کرد بدیع عربی را الگوی خود قرار داده اند، برخی از اصطلاحات این دانش را که در آن زبان تحت عنوان محسنات بدیعی ذکر شده، در زبان کردی آورده اند و

کوشیده‌اند که شاهدهی نیز برای آن ذکر کنند؛ حال این شاهد چه ساخته‌ی قریحه مؤلف باشد، مانند شواهد شعری ملا عبدالکریم مدرس یا و چه دربرگیرنده‌ی موردی باشد که به ندرت می‌توان آن را در زبان کردی یافت که بتواند اندک تطابقی با تعریف ارائه شده داشته باشد، همانند برخی از آرایه‌هایی که علاءالدین سجادی ذکر کرده است. به عنوان مثال، مواردی چون *مشاکله*، *اعراد* و *انسجام* تنها در کتاب *بدیع* و *عروض* نامی وجود دارد یا *عقد* را تنها ملا عبدالکریم مدرس تحت همین عنوان و بهار عبدالجبار جامی تحت عنوان *گرد* کرده‌وه آورده‌اند. برخی دیگر را تنها ملا عبدالکریم مدرس و علاءالدین سجادی ذکر کرده‌اند. با این تفاوت که ملا عبدالکریم مدرس نام‌های عربی و علاءالدین سجادی معادل کردی آنها را ذکر کرده است.

۷- اشتباه در تعریف اصطلاحات بدیعی یا شواهد شعری: علاءالدین سجادی چون در تعریف استدراک گوشه چشمی به تعریف عربی آن داشته، به تقلید از آن شاهدهی آورده و آن را به عنوان استدراک شناسانده است که به هیچ روی در زبان کردی معنی استدراک را نمی‌توان از آن استنباط کرد؛ زیرا این آرایه در ادب کردی و فارسی به‌گونه‌ای دیگر است و آن این است که واژه‌ای را بیاورند که در رابطه با یک واژه یک معنی و در رابطه با واژه دیگر معنی دیگری داشته باشد.

۸- اختلاف در تعداد آرایه‌ها: تعداد آرایه‌های ادبی در کتاب‌های بدیع کردی متفاوت است و از ۱۵ تا ۵۳ آرایه را در برمی‌گیرد. البته این مسأله به منزله‌ی اشتراک همه‌ی این آرایه‌ها در همه این کتاب‌ها نیست؛ زیرا ممکن است برخی از آرایه‌ها در کتابی وجود داشته باشد اما در کتاب‌های دیگر به آن اشاره‌ای نشده باشد، برخی از آرایه‌ها نیز در همه کتاب‌های بدیع کردی مشترکند.

جدول تعداد آرایه‌ها در کتب بدیعی

شماره	نام مؤلف کتاب بدیع	تعداد آرایه‌های ذکر شده
۱	مصطفی سید مینه	۱۵
۲	عزیز گردی	۲۲
۳	مربوان حسین فرحان	۳۲
۴	بهار عبدالجبار جامی	۳۶
۵	محسن احمد مصطفی گردی	۳۲
۶	علاءالدین سجادی	۴۰

۴۱	ملا عبدالکریم مدرس	۷
۵۳	ادریس عبدالله	۸

۹- تقلید صرف و دوری از نوآوری: یکی از عیوب کتب بدیع در زبان کردی تقلید تام و تمام از کتب عربی یا بهتر است گفته شود، ترجمه‌ای کامل از آن کتاب‌هاست و تنها تفاوت آنها با کتب عربی در ذکر شواهد و مثال‌ها به زبان کردی است. متأسفانه در بیشتر این آثار، نوآوری مؤلف در حد گزینش نام برخی از آرایه‌ها تجاوز نمی‌کند. البته کتاب بدیع (جوانکاری) عزیز گردی چون دیگر آثار بلاغی ایشان در این زمینه استثناست. زیرا به نظر می‌رسد احساس مسؤولیت این مؤلف و آگاهی او از بلاغت و اشrafش بر دقایق زبان و ادب کردی، توانسته این اثر را از آثار مشابه آن متمایز گرداند.

۱۰- اشکال در تقسیم‌بندی مباحث بدیعی: در کتب بدیع کردی همانند کتب عربی و بسیاری از کتب فارسی در این زمینه، آرایه‌ها را به دو مبحث محسنات لفظی و معنوی تقسیم کرده‌اند که خالی از اشکالات نیست، به عنوان مثال در جناس تام ما با دو واژه روبه‌رو هستیم که از نظر تعداد حروف، شکل ظاهری و تلفظ، هیچ تفاوتی با هم ندارند و تنها چیزی که آنها را از هم جدا می‌کند و موجب پدید آمدن نوعی زیبایی ادبی به نام جناس می‌گردد، فقط معنی آن است، درحالی‌که در همه کتاب‌های بدیع کردی، عربی و فارسی که این تقسیم‌بندی را رعایت کرده‌اند، این نوع جناس را در ردیف محسنات لفظی ذکر کرده‌اند.

عامل دیگر را در تقلید از مباحث عربی باید جستجو کرد. بزرگترین آسیب هر دو مبحث بدیع و بیان منحصر دانستن آن به زبان ادبی است، در حالی که زبان‌شناسان بلاغت را مربوط به زبان می‌دانند و بسیاری از آنان زبان را ذاتاً مجازی می‌دانند. رونویسی کتب بدیع از روی هم، یکی دیگر از همین موارد است. درحالی‌که با نگاهی به آثار شاعران و نویسندگان ده‌ها نوآوری در این زمینه به چشم می‌خورد که مؤلفان کتب بدیع از آن غافل بوده‌اند. (جهت آگاهی بیشتر ر.ک جوانکاری له‌ئده‌بی کوردیدا (بدیع در ادب کردی) از نگارنده‌ی این سطور)

- ۱۱- عدم توجه به زیبایی آرایه‌ها: علی‌رغم این که در زبان کردی، بدیع را جوانکاری (آفرینش زیبایی) نامیده‌اند، در تعریف آرایه‌های بدیعی به هیچ روی به زیبایی توجهی نکرده‌اند. علاوه بر آن در هیچ یک از این آثار، تعریف زیبایی و تعیین مؤلفه‌های آن به چشم نمی‌خورد.
- ۱۲- منحصر دانستن بلاغت به زبان ادبی: پژوهشگران علوم بلاغی، بلاغت را مربوط به زبان ادبی می‌دانند و همین مسأله موجب غفلت آنان از ادب شفاهی شده است. درحالی که - همان گونه که پیشتر اشاره شد- زبان‌شناسان شناختی بلاغت را ذاتی زبان می‌دانند.

۶- نتیجه‌گیری

بیشتر مباحث بلاغی تقریباً جهان شمولند و قابلیت تعمیم به زبان‌های دیگر را دارند، اما این مسأله به هیچ‌وجه به منزله‌ی نبود ظرفیت‌های بلاغی متناسب با زبان‌های دیگر نیست، هر یک از زبان‌ها به دلیل ماهیت خاص خود دارای ظرفیت‌های بلاغی خاصی هستند که توجه به آنها ضمن غنی کردن مباحث بلاغی، موجب شناخت بهتر ظرفیت‌های بلاغی آن زبان‌ها می‌شود. نقد و بررسی کتب بلاغی در این زمینه می‌تواند در شناخت کاستی‌های این آثار، جهت کمک به رفع آنها سودمند باشد. به نظر می‌رسد تعیین مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی و تقسیم مباحث بدیعی براساس این مؤلفه‌ها، منحصر ندانستن بلاغت به زبان ادبی و در نظر داشتن ظرفیت‌های بلاغی زبان‌ها می‌توانند در بازنگری علوم بلاغی در راستای ارتقای آنها سودمند باشند.

منابع

الف: عربی

قرآن کریم

ابن اثیر، ابوالفتح ضیاءالدین نصرالله (۱۹۳۹). *المثل السائر*. تحقیق د. محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره: مطبقة مصطفى البابی.

تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۲۰۰۳). *مختصر السعد (شرح تخلص مفتاح العلوم)*. تحقیق الدكتور عبدالحمید هنداو، بیروت: مكتب العصریه.

تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۲۰۰۱). *المطول*. تحقیق الدكتور عبدالحمید هندوانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۹۴۷). *البيان والتبيين*. قاهره.

خطیب قزوینی، جلال‌الدین بن عبدالرحمن (۱۹۸۹). *ألايضاح فی علوم البلاغة*. شرح و تعليق و تنقیح د. محمد عبدالمنعم خفاجی، بیروت: الشركة العالمیه.

خطیب قزوینی، جلال‌الدین بن عبدالرحمن (۱۹۹۷). *التخلص فی علوم البلاغه (وهو تلخیص مفتاح العلوم سکاکی)*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

سکاکی، ابویعقوب (۱۹۳۷). *مفتاح العلوم*. مصر.

قیروانی، ابن الرشیق (۱۹۸۱). *العمده فی محاسن الشعر و نقده*. بتحقیق محمد محی‌الدین، بیروت: دارالجلیل الطبعة الخامسة.

ب: فارسی

آقاسردار، نجفقلی (۱۳۳۳). *دره نجفی*. با تصحیح و تعليقات و حواشی حسین آهی. با دو مقدمه از امیر فیروزکوهی و محمد حمیدی. تهران: انتشارات فروغی.

پارسا، سید احمد (۱۳۸۲). «نیم نگاه‌ی به بدیع نو». *کتاب ماه ادبیات و فلسفه*، سال هفتم، شماره ۵.

پارسا، سید احمد (۱۳۹۱). «تحلیل و بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان علوم بلاغی در زمینه تصدیر». *کاوش نامه*، سال سیزدهم، شماره ۲۵.

- تاج الحلاوی، علی بن محمد (۱۳۴۱). *دقائق الشعر*. به تصحیح و حواشی و یادداشت‌های سید محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲). *ترجمان البلاغه*. به اهتمام احمد آتش. تهران: اساطیر، چاپ دوم.
- رازی، شمس قیس (۱۳۷۳). *المعجم فی معاییر اشعار العجم*. به کوشش سیروس شمیسا. تهران: فردوس.
- رامی تبریزی، شرف‌الدین حسن بن محمد (۱۳۴۱). *حقائق الحدائق*. تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی، محمد خلیل (۱۳۷۶). *معالم البلاغه*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه، چاپ چهارم.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۳). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه، چاپ چهارم.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱). *بیان*. تهران: فردوس، چاپ دوم.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳). *از زبان شناسی به ادبیات (جلد دوم: شعر)*. تهران: سوره مهر، چاپ دوم.
- کاشفی سبزواری، میرزا حسین (۱۳۶۹). *بدایع الافکار فی صنایع الاشعار*. ویراست میرجلال‌الدین کزازی. تهران: نشر مرکز.
- کزازی، میرجلال‌الدین (بی تا). *زیبایی‌شناسی سخن پارسی (بیان)*. تهران: کتاب ماد، چاپ چهارم.
- مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح (۱۳۶۷). *انوار البلاغه*. تهران: مرکز فرهنگی نشر قبله و دفتر نشر میراث مکتوب.
- وحیدیان کامیار. تقی (۱۳۷۹). «نثر مسجع فارسی را بشناسیم». *نامه فرهنگستان*.
- وطواط، رشیدالدین (۱۳۶۲). *حدائق السحر فی دقائق الشعر*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال. تهران: سنایی و طهوری.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۵۶). *مدارج البلاغه در علم بدیع*. شیراز: معرفت، چاپ دوم.

پ: کردی

- ئەحمەد مستەفا گەردی، موحسین (۲۰۱۳). بەهاری رەوانبێژی. هەولێر: نارین.
- ئێبراهیمی، محەمەد سەعید (۱۳۶۴هـ). گەشتی لە عیلمی بەلاغە. مەهاباد: نوسەر.
- حسین فەرمان، مەریوان (۲۰۱۷). جوانکاری لە شیعری وەفایی دا. سلیمانی: چاپخانەی پەنجەرە.
- عەبدولجەباری جامی. بەهار (۲۰۱۷). هونەری جوانکاری لە شیعری عەونی دا. هەولێر: چاپخانەی رۆژھەلات.
- عەبدوڵلا، ئیدریس (۲۰۱۲). جوانکاری شیعری نوێی کوردی. هەولێر: چاپخانەی هەیفی.
- (۲۰۱۲). جوانکاری شیعری کلاسیکی کوردی. هەولێر: چاپخانەی رۆژھەلات.
- سەجادی، عەلا ئەدەدین (۱۹۷۸). خۆشخوانی. بەغدا: چاپخانەی مەعاریف.
- سەیدمێنە، مستەفا (۲۰۰۷). پایە وەفایی لە ناو شاعیرانی سەدەمی نۆزدەھەمی کرمانجی خواروودا. هەولێر: نوسینگەی تەفسیر.
- گەردی، عەزیز (۱۹۷۲). رەوانبێژی لە ئەدەبی کوردیدا، بەرگی یەكەم: رەوانبێژی. هەولێر: چاپخانەی شارەوانی.
- گەردی، عەزیز (۱۹۷۲). رەوانبێژی لە ئەدەبی کوردیدا، بەرگی دووھەم: جوانکاری. هەولێر: چاپخانەی شارەوانی.
- گەردی، عەزیز (۱۹۷۲)، رەوانبێژی لە ئەدەبی کوردیدا، بەرگی سێھەم: واتاناسی. هەولێر: چاپخانەی شارەوانی.
- مودەرس، عەبدولکەریم (۱۹۹۱). بەدیع و عەرۆزی نامی. بەغدا: چاپخانەی دارالجاحظ.